

بستانند

آگوس و هیولاها ۷

جشنواره‌ی بازی‌های
رومیزی

هوی
Hoopa

آگوس و هیولاها ۷



برای پامداد اکبری،
دانشمند هیولابزووه.

Original title: AGUS Y LOS MONSTRUOS:
LA CARTA MÁS ALTA
Text © 2017 Jaume Copons
Illustrations © 2017 Liliana Fortuny
Copyrights © 2017 Combel Editorial S.A.
Translation rights arranged by IMC Agència
Literària, SL. All rights reserved.
Persian Translation © Houppaa Publication, 2021

نشر هوپا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر
اثر (Copyright)، امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب
را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از آژانس ادبی نویسنده و
تصویرگر آن خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب، ژانومه کوپونس،
برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه جای
دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی
صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است.
اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی
در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت
ژانومه کوپونس این کار را کرده است.



سرشناسه: کوپونس، جانومه، ۱۹۶۶-م.
Copons, Jaume
عنوان و نام پدیدآور: جشنواره‌ی بازی‌های رومیزی انویسنده ژانومه کوپونس؛ تصویرگر لیلیانا
فور تونی؛ مترجم سعید متین.
مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۸.
فروست: آگوس و هیولاهای، ۲.
شابک: ۸-۶۵-۸۸۶۹-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۲۰۴-۱۷۹-۳؛ دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۹-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۲۰۴-۱۷۹-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: La carta más alta.
یادداشت: گروه سنی: ج.
موضوع: داستان‌های ماجراجویانه
موضوع: Adventure stories
موضوع: داستان‌های طنزآمیز
موضوع: Humorous stories
شناسه افزوده: فور تونی، لیلیانا، تصویرگر
Fortuny, Liliana
شناسه افزوده: متین، سعید، ۱۳۶۵- مترجم
رده بندی دیویی: ۸۸۳/۵۸۰-۱۳۶۵
شماره کتابشناسی ملی: ۵۸۵۹۱۳۷



آگوس و هیولاهای V

جشنواره‌ی بازی‌های رومیزی

نویسنده: ژانومه کوپونس
تصویرگر: لیلیانا فور تونی
مترجم: سعید متین
ویراستار: انسیه حیدری
مدیر هنری: فرشاد رستمی
طراح گرافیک: فریبا دولت‌آبادی
چاپ دوم: ۱۳۹۹
تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه
قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان
شابک دوره: ۸-۶۵-۸۸۶۹-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۲۰۴-۱۷۹-۳
شابک: ۸-۶۵-۸۸۶۹-۶۰۰-۹۷۸-۶۰۰-۲۰۴-۱۷۹-۳



هوپا

آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف،
پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی، صندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵
تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰
همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.
هرگونه استفاده از متن این کتاب فقط برای نقد و معرفی و در
قالب بخش‌هایی از آن مجاز است. www.hoopaa.ir
info@hoopaa.ir

این شما و این داستان ما
هیولاها

قهرمان‌های داستان



آگوس پیانولا
و
آقای پتی‌پن، هیولای کتاب‌ها



جیرینگ
هیولای زباله



خانم قلمبو
هیولای قلم‌مو



خانم دکتر دامپی
هیولای حیوانات

و بدچنس‌های داستان



دکتر بروت
مرد خبیث



نپ
دستیار (نه‌چندان بدچنس)
دکتر بروت



چوله
هیولای چاله‌ها



اختاسل
هیولای موسیقی



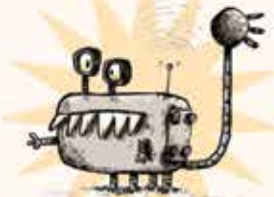
گیسی پیلی
هیولای موها



سراشیز مالوله
هیولای آشپزی



هیچوپینچو
هیولای هیچی



امو
هیولای فلزات

۱

نمایشگاه بین‌المللی بازی‌های رومیزی



اگر می دانستم قرار است با اتوبوس برویم اردو، صبحانه شیر نمی خوردم، ولی آن روز صبح خودم را با شیر و برشتوک خفه کرده بودم و... حالا خیلی هم نمی خواهم وارد جزئیات زنده‌ی اتفاق‌هایی بشوم که توی اتوبوس افتاد.



آگوس، چند بار گفته بودند که قرار است برویم نمایشگاه! خیال می کردم متوجه شده باشی.

گفته بودند ناهار هم نباید با خودت بیاوری.

درباره‌ی غذا با من حرف نزن. خواهش می کنم!

تقریباً همه دوست دارند با مدرسه بروند اردو، ولی من نه. خیلی بهم اضطراب می دهد. همیشه خیال می کنم گم می شوم یا چیز مهمی را جا می گذارم یا حوصله ام در حد مرگ سر می رود. و باید بگویم اولین اردوی سال، حسابی غافل گیرم کرد، جوری که یک دفعه همین که رسیدم مدرسه، دیدم ایستاده ام توی صف اتوبوس.



کجا داریم می رویم؟

نمایشگاه بین المللی بازی های رومیزی! هفته ی پیش بهمان گفتند.

واقعا؟ مگر نمایشگاه بین المللی بازی های رومیزی هم داریم؟

آره. همان طور که بعضی از شهرها جشنواره های ادبی و نمایشگاه های موبایل و ماشین برگزار می کنند، گالریا هم نمایشگاه بین المللی بازی های رومیزی برگزار می کند!

بروید بچه ها که خیلی خوش می گذرد!

تازه کلی هم خوش می گذرد!

اردوی یکهویی که کسی را نکشته!

خیلی توی راه نبودیم، فقط به اندازه‌ی اینکه برشتوک‌های صبحانه و یک مقدار چیز دیگر را بالا بیاورم. ناگهان سر از جلوی مرکز همایش‌های شهر درآوردیم. نمایشگاه بین‌المللی بازی‌های رومیزی هم آنجا برگزار می‌شد. همه چیز به نظرم خیلی تماشایی رسید.

این هتل محل اقامت شرکت‌کننده‌های نمایشگاه است.

آنجا هم کاخ بزرگ گالرناست: بیش از شش هزار متر مربع که به بازی‌های رومیزی اختصاص پیدا کرده.

چند گروه می‌شویم و ساعت ۱۲ درست همین‌جا همدیگر را می‌بینیم.

یک عالمه غرفه را رد کردیم که تویشان مردم همه جور بازی ای می کردند. از بازی های خیلی قدیمی مثل آواله گرفته تا خیلی از بازی های دیگر که اسمشان را هم بلد نبودم.



این یک بازی آفریقایی است به اسم آواله که یک صفحه دارد و چهل و هشت تا مهره.

خلاصه بگویم باید این دانه ها را بکاری و دانه های حریفه را از چنگش دریاوری.

البته نباید بگذاری حریفه بدون دانه بماند. هیچ وقت!

از این شیوهی برنده شدن، که تویش نباید رقیبت را له کنی، خوشم می آید.

اینکه اما به چند گروه تقسیمان کرد، دست کم باعث شد من و لیدیا و هیولاها بتوانیم راحت برای خودمان توی نمایشگاه بچرخیم. راستش خوشمان آمد؛ چون یک عالمه بازی رومیزی دیدیم.



گرفه ی مکعب روبیک

من بی خیال روبیک می شوم. خیلی استرس زاست. آدم هایی هم که این بازی را می کنند که دیگر بدتر!

آ... آ... آ...
و تمام!

اسم من لوکاس است، چهارده سالم است و در عرض چهار ثانیه و نودصدم ثانیه مکعب روبیک را حل می کنم!

این پسره بقیه ی روز چه کار می کند؟ چون گویا هر روز ۸۶۳/۹۵۱ ثانیه و خرده ای وقت اضافه می آورد.

جورچین‌های دو بُعدی و سه بُعدی دیدیم و بازی‌های گروهی و انفرادی و همچنین بازی‌هایی که به نظمان مثل آب خوردن بودند و بازی‌های دیگری که نیازمند تلاش ذهنی وحشتناکی بودند.



بازی‌ای کشف کردم که خیلی از شما خوشم آمد: فوتبال دکمه‌ای! به طرز باورنکردنی ساده و سرگرم‌کننده و نوبخ‌آمیز بود. وقتی نوبت می‌شد، باید با یک دکمه می‌شویدی به دروازه‌ی حریف.



من هیچ وقت خیلی اهل بازی های رومیزی نبوده ام؛ چون قبل از اینکه با هیولاها آشنا بشوم، خیلی طرفدار کنسول و بازی های رایانه ای (چه با تلویزیون، چه با گوشی و چه با تبلت) بودم. بعد از آشنایی با هیولاها هم بیشتر اهل کتاب شده بودم. ولی باید اعتراف کنم بازی های خیلی سرگرم کننده ای آنجا بود.

من بیشتر اهل بازی نقاشی ام.

مسابقه های دومینو به نظرم واقعاً فوق العاده است!

من خیلی بازی نقش آفرینی را دوست دارم. معلوم است، نه؟

من «سیاه چال و اژدها» را خیلی دوست دارم.

هوووع!!! اشتباهی یکی از مهره های بازی را جای پنیر خوردم!



خیال می‌کردم دیگر همه‌ی بازی‌ها را دیده‌ایم که یکهو به غرفه‌ی بزرگی رسیدیم و چیزی دیدیم که همه‌مان را حیرت‌زده کرد: صندوق شیشه‌ای بزرگی که تویش یک میلیون یورو پول بود... شاید خیلی عجیب به نظر برسد، ولی تعجبمان از دیدن پول‌ها در مقایسه با تعجبمان از دیدن چیزی که روی پول‌ها قرار داشت، هیچ بود.

طبیعتاً کلی هیجان‌زده شدیم. اینکه کتاب هیولاها جلوی چشممان توی صندوق شیشه‌ای بود، فرصت منحصر به فردی بود تا هیولاها بتوانند به خانه‌شان برگردند. ولی آن بساط چه معنی‌ای داشت؟



خوشبختانه لیدیا برگه‌هایی پیدا کرد که تویشان توضیح داده بودند قضیه از چه قرار است. این جور شد که فهمیدیم آن صندوق مربوط به مسابقات بازی‌های رومیزی است. زبانمان تقریباً بند آمده بود. فقط واژه‌های تک‌هجایی از ذهنمان بیرون می‌آمد.

مسابقات بازی‌های رومیزی قرن

تیم‌های دونفره در رقابت‌ها پذیرفته می‌شوند.

اعضای تیم‌ها باید انسان باشند.

تیم‌ها برای شرکت در مسابقات باید چیزی با ارزش با خودشان بیاورند. هر تیم با همی تیم‌های دیگر رقابت می‌کند و بازی‌های حذفی پی‌درپی، شرکت‌کنندگان فینال بزرگ را مشخص می‌کند.

تیم برنده یک میلیون یورو و همی اشیایی را که سایر تیم‌ها گرو گذاشته‌اند، صاحب می‌شود.

برای شرکت در رقابت‌ها باید قراردادی امضا شود و همی قوانین، به‌ویژه آن‌هایی که با حروف کوچک قید شده‌اند، اجرا شود. شرکت‌کنندگان با هزینه‌ی شهرداری محترم گالریا در هتل مرکز همایش‌ها در میان بریزوپاشی بی‌حد و حساب اقامت خواهند داشت.



عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!



هوپا، ناشر کتاب های خوردنی

کتابفروشی های هوپا
www.hoopabooks.ir



اینستاگرام هوپا
[hoopa_publication](https://www.instagram.com/hoopa_publication)



سایت هوپا
www.hoopa.ir



کانال تلگرام هوپا
<https://t.me/hoopabooks>



هوپا مارکت، فروشگاه اینترنتی هوپا
www.hoopamarket.com

